



Article Type: Research paper

Social Media, the Young Generation, and the Arab Spring: An Analysis of the Role of Communication Technologies in the Context of Political Dissatisfaction

*Ali Saad¹, Seyedreza Naghibalsadat²

1. Ph.D. Candidate in Social Communication Sciences, Department of Social Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. Full professor, Public relations, Department of Social Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Article Info.

Received: 11/6/2025

Accepted: 12/8/2025

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

Arab Spring, Mobile Phone, Social Networks, Smart Mob.

* Corresponding Author:

Ali Saad

Address: Ph.D. Candidate in Social Communication Sciences, Department of Social Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

E-mail:

a_saad@atu.ac.ir

Abstract

The role of new media and virtual social networks in the Arab uprisings of the past decade has been the subject of numerous studies. It is widely acknowledged that the expansion of internet access and the rapid growth of social media users in the years leading up to December 2010 played a significant role in the emergence of these uprisings and the major transformations that followed in Middle Eastern countries. This study seeks to further examine the formation and development of these uprisings from a communication perspective, by analyzing the role of new media in facilitating and accelerating revolutionary movements. Using a descriptive-analytical method, this research analyzes previous studies on the role of social media and mobile phones in organizing political protests. According to the findings, the presence of a young, educated population in Arab countries, coupled with the widespread use of new communication technologies and dysfunctional governance structures, created a fertile ground for the uprisings. Moreover, modern information and communication technologies contributed to the speed and spread of the revolutions across the Arab region.

How to Site:

Saad, Ali and Naqib Al-Sadat, Seyyed Reza. (2025). Social Media, the Young Generation, and the Arab Spring: An Analysis of the Role of Communication Technologies in the Context of Political Dissatisfaction. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(2), 222-246.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

رسانه‌های اجتماعی، نسل جوان و بهار عربی: تحلیل نقش تکنولوژی‌های ارتباطی در بستر نارضایتی‌های سیاسی

* علی سعد^۱، سید رضا نقیب السادات^۲

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، علوم ارتباطات اجتماعی، علامه طباطبایی، تهران، ایران
۲. استاد روابط عمومی، علوم ارتباطات اجتماعی، علامه طباطبایی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۱ خرداد ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۲۱ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

چکیده

بررسی نقش رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب‌های عربی منطقه در دهه گذشته سوژه بسیاری از مطالعات بوده است. بر کسی پوشیده نیست که گسترش دسترسی به اینترنت و رشد روزافزون کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی در چند سال منتهی به دسامبر ۲۰۱۰ نقش پراهمیتی در شکل‌گیری این انقلاب‌ها و تغییرات اساسی، که در کشورهای خاورمیانه رخ داد، داشته است، از این رو، در این مطالعه تلاش شده با بررسی نقش این رسانه‌های نوین در زمینه‌سازی و بروز انقلاب‌ها از نقطه نظر ارتباطی شکل‌گیری و توصیف آنها مورد مذاقه بیشتر قرار گیرد.

در این پژوهش با بررسی مطالعات انجام‌شده با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نقش رسانه‌های اجتماعی و تلفن همراه در سازمان‌دهی اعتراضات سیاسی را تحلیل می‌کند. مطابق این پژوهش، جمعیت جوان و تحصیل‌کرده کشورهای عربی و گسترش استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی و ساختار معیوب حکمرانی در این کشورها زمینه بروز انقلاب‌ها را فراهم کرده است. تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی نیز در روند انقلاب موجب گسترش سرعت آن و تسری انقلاب به سایر کشورهای عربی منطقه شده است.

کلیدواژه‌ها:

بهار عربی، تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی، توده هوشمند.

* نویسنده مسئول:

علی سعد

نشانی: دانشجوی دکتری علوم
ارتباطات اجتماعی، علوم ارتباطات
اجتماعی، علامه طباطبایی، تهران،
ایران.

پست الکترونیک:

a_saad@atu.ac.ir

استناد به این مقاله:

سعد، علی و نقیب السادات، سیدرضا. (۱۴۰۴). رسانه‌های اجتماعی، نسل جوان و بهار عربی: تحلیل نقش تکنولوژی‌های ارتباطی در بستر نارضایتی‌های سیاسی. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲۷(۲)، ۲۲۲-۲۴۶.

۱. مقدمه

بیشتر مطالب منتشرشده در گذشته در خصوص نقش چاپ و سواد، در پیدایش حوزه عمومی دموکراتیک است. بخش زیادی از مطالب مرتبط با نقش مطبوعات چاپی، در خصوص تأثیر آن در شکل‌گیری اعتراضات اصلاحی و ظهور دموکراسی‌های مشروطه نوشته شده است. تکنولوژی‌های ارتباطی و داشتن سواد، قدرتی است که در بسیاری از موقعیت‌ها اثبات کرده می‌تواند از تسلیحات نظامی قوی‌تر عمل کند. این قدرت از طریق انتقال قدرت سیاسی به‌وسیله فعال کردن مردم برای آگاه کردن افکار و باورهای دیگران کار خود را به پیش می‌برد.

تکنولوژی و سوادآموزی به‌طور مستقیم می‌تواند اعمال سیاسی انتخابات، تظاهرات و شورش را سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و هماهنگ کند. از طرف دیگر، این دو عامل همچنین می‌توانند برای خاموش کردن، منحرف کردن و تضعیف روحیه کسانی که در این اعمال سیاسی درگیر هستند نقش آفرین باشد. قدرت «ترغیب» با قدرت «سازمان‌دهی و هماهنگی» همراه می‌شود و با دسترسی همگانی به فضای مجازی، که امروزه در سراسر جهان وجود دارد، ضرب می‌شود و یک پتانسیل سیاسی برهم‌زننده مهم را ایجاد می‌کند که از قدرت مطبوعات چاپی، تلفن‌های ثابت و تلویزیون بسیار بیشتر است.

همان‌گونه که مردم الفبا و کامپیوتر را در هر دو راه سودمند و مخرب اجتماعی به کار می‌گیرند، شبکه‌های اجتماعی درحالی‌که برای برگزاری انتخابات صادقانه و سازمان‌دهی خودجوش تظاهرات سیاسی مسالمت‌آمیز به کار گرفته می‌شود، همان تکنولوژی برای انجام جنایت، هماهنگی عملیات‌های تروریستی و دعوت مردم به آشوب استفاده می‌شود. این بررسی روی اشکال عمل جمعی در حوزه سیاسی، که یک مفهوم مطالعه‌شده در حوزه جامعه‌شناسی و ارتباطات محسوب می‌شود، متمرکز است که در آن شبکه‌های اجتماعی در تحریک به تظاهرات و آشوب‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های تلفن‌های همراه به‌عنوان یک تکنولوژی به تعبیر عاملی (۲۰۱۱) «همه‌جا حاضر» قدرت آن را فوق‌العاده کرده است و محققین بسیاری به این مسأله در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌های اجتماعی در قرن حاضر پرداخته‌اند.

اما باید توجه داشت قدرت سیاسی این ابزارهای نوین ارتباطی و سازمان‌دهی اعتراضات سابقه طولانی‌تری از عمر شبکه‌های اجتماعی دارد. شاید اولین مورد آن را در تظاهرات میلیونی مردمی فیلیپین در مخالفت با جوزف استرادا در سال ۲۰۰۱ باشد که با انتشار ویروسی یک پیامک با متن "Go 2 Edsa" در بازه زمانی نیم روز جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر را در خیابان ادسا در پایتخت این کشور گرد هم آورد که در نهایت پس از ۴ روز منجر به سقوط دولت شد.

در انقلاب‌های عربی دهه گذشته استفاده از رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی به اوج خود رسید. بدین صورت که با پخش تصاویر خودسوزی بوعزیزی در تونس و انتشار ویروسی آن در شبکه‌های اجتماعی، موج عظیمی ابتدا در کشور تونس پدید آمد و پس از آن چند کشور بزرگ عربی دیگر را درگیر کرد.

ابراهیم (۲۰۰۸) در آستانه وقوع انقلاب‌های عربی خاورمیانه براساس مشاهدات میدانی خود درباره نقش تلفن همراه در کشورهای عربی می‌نویسد: برای اعراب، تلفن همراه تنها یک وسیله ارتباط شخصی نیست، بلکه یک وسیله شخصی چندمنظوره است که به امکانات جدید مجهز شده است، از جمله دسترسی به اینترنت، دوربین، پخش‌کننده موزیک که در حال حاضر مخصوصاً در میان جوانان عرب رایج شده‌اند.

رسانه‌های اجتماعی و تلفن همراه نقش کلیدی در سازمان‌دهی این اعتراضات داشتند. مطالعه هوارد و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که توییت‌ر و فیس‌بوک نقش قابل توجهی در اعتراضات مردم تونس داشتند و ویدئوهای منتشرشده در این پلتفرم‌ها توانست همبستگی منطقه‌ای با حرکت اعتراضی آنها ایجاد کند.

بوگلاف (۲۰۱۱) پژوهشگر حوزه ارتباطات معتقد است با گسترش استفاده از تلفن همراه و رسانه‌های آنلاین در سال‌های منتهی به بهار عربی، مردم آن را جایگزین رسانه‌های رسمی که در کنترل دولت بودند، کردند و زمینه بروز انقلاب فراهم شد. همچنین وی استفاده گسترده از پیامک تصویری برای پخش اخبار اعتراضات در کشورهای تونس و مصر را بیانگر اهمیت رسانه‌های دیجیتال به‌عنوان شتاب‌دهنده و تسریع‌کننده بهار عربی دانست.

کاراسپان (۲۰۱۳) نیز با بررسی انقلاب‌های عربی منطقه، نقش رسانه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی در لحظه، مستندسازی خشونت‌های دولتی و ایجاد هماهنگی بین گروه‌های

معترض را مهم ارزیابی کرد.

اوون (۲۰۱۸) چند سال بعد با بررسی جامع نقش رسانه‌های جدید در سیاست و مشارکت سیاسی شهروندان، اولین اثرگذاری رسانه‌ها در انتخابات را به سال ۱۹۹۲ در آمریکا ارجاع می‌دهد که تلویزیون منبع اصلی شهروندان برای کسب اطلاعات انتخاباتی می‌شود. بعد از آن سال رسانه‌های سنتی و در سال‌های اخیر رسانه‌های جدیدی نقش غیرقابل‌کتمان در مبارزات سیاسی و راهبردهای سیاسی احزاب داشته است.

سنو و تورسون (۲۰۱۹) با مقاله عمل‌جمعی در عصر دیجیتال با رویکردی چندسطحی، کنش جمعی در عصر دیجیتال را تحلیل کردند. نویسندگان با ترکیب نظریه‌های ارتباطات، علوم سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی، مدلی جامع برای درک عوامل فردی، سازمانی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت دیجیتال ارائه می‌دهند. آنها در این تحلیل عوامل فردی، سازمانی و اجتماعی - سیاسی را مؤثر بر بسیج موفقیت‌آمیز اعتراضات شناسایی کردند.

۳. مبانی نظری پژوهش

سیاست براساس «ارتباطات اجتماعی شده» با هدف تأثیرگذاری در ذهن مردم و جلب حمایت‌های آنان پایه‌گذاری شده است. مجرای اصلی ارتباط بین سیستم سیاسی و شهروندان، رسانه‌های جمعی هستند که تا چندین سال پیش موثرترین آنها تلویزیون بود. امروزه انواع مختلف رسانه‌ها در حیطه‌های خاصی مرجع شده‌اند برای مثال مطبوعات چاپی تحلیل‌های دست اول را تولید می‌کنند و تلویزیون به انبوه مخاطبان نفوذ می‌کند. کاستلز در کتاب معروف خود «قدرت و ضدقدرت در جامعه شبکه‌ای» (۲۰۰۷) جزء اولین افرادی است که به اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی در سیاست توجه می‌کند. وی می‌نویسد: «در جهان امروز عملکرد سیستم سیاسی برای دستیابی به حمایت رسانه‌ها انجام می‌شود که هدف آن کاهش اختلاف شهروندان با سیستم سیاسی است.»

بعد از کاستلز، نظریه‌پردازان دیگری با بررسی وقایع و رخداد‌های دهه دوم قرن بیست و یکم، مفاهیم مرتبط با عصر دیجیتال در تناظر با کنش‌های جمعی را صورت‌بندی کردند که در ادامه سه نظریه مهم در این حوزه برای چهارچوب‌بندی نظری این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۱. نظریه فضای عمومی دیجیتال

یکی از مفاهیم مهم مرتبط با فضای دیجیتالی شده امروز، مفاهیم نظریه فضای عمومی بورگن

هابرماس اندیشمند نامدار مکتب فرانکفورت است که آن را به عنوان فضایی برای گفت‌وگوی عقلانی و آزاد می‌داند، اما با ظهور اینترنت و رسانه‌های جمعی این فضا در عرصه مجازی دگرگون شده است. نظریه فضای عمومی دیجیتال، با وجود پذیرش مشارکت بیشتر نسبت به فضای عمومی سنتی و از بین رفتن محدودیت‌های فیزیکی و سلسله‌مراتب سنتی، به دلیل شخصی‌سازی‌های الگوریتمی، که مدیران پلتفرم‌های اجتماعی اعمال می‌کنند، با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است.

از یک سو رشد اخبار جعلی و از سوی دیگر سانسورهایی که با اهداف مختلف بر این فضا اعمال می‌شود، اعتبار و عقلانیت تعاملات عمومی را در این حوزه، که هابرماس از آن توقع داشت، تضعیف کرده است، اما نمی‌توان منکر ایجاد ظرفیت عظیم و جدید آن برای انقلاب‌ها و کنش‌های جمعی در اقصی نقاط جهان شد.

مایک شافر (Schafer, 2015) پژوهشگر حوزه ارتباطات و دیجیتال، در مقاله خود با عنوان «حوزه عمومی دیجیتال» تحولات حوزه عمومی در عصر دیجیتال را بررسی کرده است. پژوهش وی حاکی از این است که با وجود ایجاد فرصت‌های جدید برای دموکراتیزه شدن گفت‌وگوهای عمومی، چالش‌هایی مانند قطبی شدن، نقش الگوریتم‌های پلتفرم‌ها و گسترش اخبار جعلی به آن آسیب‌های قابل توجهی زده است.

۳-۲. نظریه کنش جمعی دیجیتال

کتاب «بازآرایی ابزار سیاسی» (Jungherr et. al, 2020) در فصل پنجم رابطه توسعه پلتفرم‌های دیجیتال را با کنش جمعی بررسی کرده است. جانگر و همکاران در این بخش نشان می‌دهند که پلتفرم‌های دیجیتال تحولی جدی برای ایجاد سهولت در بسیج اجتماعی ایجاد کرده‌اند.

پژوهش آنها براساس نظریه جامعه شبکه‌ای بیان می‌کند که سرعت انتشار اطلاعات و حذف ساختارهای سلسله‌مراتبی چگونه امکان ظهور جنبش‌های نوظهور را فراهم کرده است. جانگر و همکاران، رسانه‌های دیجیتال را موجب افزایش نظارت شهروندی و شفافیت می‌دانند که ابزاری ضروری برای دموکراسی است، اما به تقویت جریان‌های افراطی در این شبکه‌ها نیز به عنوان عاملی برای دور شدن از فضای عقلانی اشاره می‌کنند.

۳-۳. نظریه شبکه در حرکت‌های اجتماعی

مقاله «جامعه شبکه‌ای بازبینی شده» نوشته استاد برجسته حوزه ارتباطات مانوئل کاستلز، با بازبینی نظریه جامعه شبکه‌ای، تحولات ساختاری جوامع معاصر تحت تأثیر فناوری‌های دیجیتال را تحلیل می‌کند. کاستلز در این مقاله استدلال می‌کند که شبکه‌های ارتباطی جایگزین سلسله‌مراتب سنتی شده‌اند و به‌عنوان هسته سازمان‌دهی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عمل می‌کنند. این چهارچوب می‌تواند نقش محوری جریان‌های اطلاعاتی در شکل‌دهی به قدرت، هویت و کنش جمعی را افزایش دهد.

براساس پژوهش وی، سه تحول بنیادین در جامعه شبکه‌ای رخ داده است:

۱. فشرده‌گی زمان-مکان: فناوری‌های دیجیتال تعاملات را از محدودیت‌های جغرافیایی رها کرده‌اند.
 ۲. قدرت سیال: قدرت در شبکه‌های غیرمتمرکز (مانند پلتفرم‌های دیجیتال) توزیع شده و پویایی آن افزایش یافته است.
 ۳. هویت‌های مقاومتی: گروه‌های حاشیه‌ای از شبکه‌ها برای ایجاد هویت‌های جمعی چالش‌برانگیز (مثل جنبش‌های اجتماعی دیجیتال) استفاده می‌کنند. (Castells, 2023)
- کاستلز هم‌زمانند متفکرین دیگر به خطرات قطبی‌سازی و شکاف دیجیتالی در جامعه توجه می‌کند و ضرورت تغییر نگاه به مفاهیم سنتی از جمله حقوق شهروندی، حریم خصوصی و عدالت اجتماعی در فضای جدید را یادآور می‌شود.

۳-۳-۱. رسانه و دموکراسی

در دنیای امروز یک پیام سیاسی الزاماً یک پیام رسانه‌ای است و هرگاه یک پیام سیاسی از طریق رسانه منتقل شود، باید به زبان خاص آن رسانه تبدیل شود؛ یعنی نیاز دارد الزامات خاص آن رسانه بر آن اعمال شود. کاستلز (۲۰۰۷) معتقد است: «اینکه گفته شود رسانه پیام است، به‌طور کامل صحیح نیست، اما به‌طور تجربی می‌توان گفت رسانه قطعاً تأثیرات ذاتی در شکل و پیام خواهد گذاشت.»

نقش رسانه‌های سنتی در دموکراسی، قبل از ظهور تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، بسیار قابل توجه بوده است. دو قرن پیش مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی نامیدند. با ظهور سینما،

کارکردهای سیاسی رادیو به‌ویژه تلویزیون نیز مورد توجه جدی قرار گرفت.

اما با ظهور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی دوسویه این تکنولوژی‌ها آنها را به رسانه‌ای مهم تبدیل کرده است و به‌کارگیری این قابلیت روابط بین شهروندان، احزاب، رسانه‌های جمعی، گروه‌های فرهنگی- اجتماعی، سازمان‌های مدنی و غیرحکومتی را تقویت و تحکیم کرده است و موانع متعارف برای مشارکت سیاسی و مدنی افراد و گروه‌ها را به‌طور قابل توجهی از میان برداشته است. از سوی دیگر، با افقی شدن ارتباطات، عملکرد احزاب و رهبران سنتی مردم تا حدودی تحت تأثیر قرار گرفته است و شبکه‌های مردمی با رهبری برخی اینفلوئنسرها به بازیگران جدید و مهم عرصه حکمرانی تبدیل شده‌اند.

رینگولد در کتاب «توده هوشمند، انقلاب اجتماعی آینده» (۲۰۰۲) با مشاهده چند انقلاب و سازمان‌دهی اعتراض به واسطه تلفن همراه با نگاه خوش‌بینانه‌ای توسعه این تکنولوژی‌ها را در راستای گسترش دموکراسی می‌داند. وی می‌نویسد: «پذیرش سریع ارتباطات چندرسانه‌ای به واسطه یک بخش مهم از جمعیت جهان منجر به تجربه اجتماعی هم‌زمان در اشکال مختلف آن شده است. در حوزه سیاسی، موبایل و پیامک قدرت ترغیب، سازمان‌دهی و هماهنگی را در جهان دموکراتیزه کرده است»

وی در ادامه دلایل خود را برای این ادعا مطرح می‌کند و می‌نویسد: «دلایل اینکه توده‌های هوشمند سیاسی می‌تواند به دموکراسی‌های قوی‌تر بینجامد شامل قدرتمندتر ساختن شهروندان به‌وسیله تظاهرات مردمی خود سازمان‌دهی شده در اعتراض به رویدادهایی مثل اتهام استرداد، قابلیت نظارت ارزان و عمومی بر انتخابات، قدرت فزاینده داوطلبان برای هماهنگی فعالیت‌های تحریم انتخابات و قدرت انتشار اطلاعات که در حکومت‌های اقتدارگرا از طریق کنترل رسانه‌های جمعی محدود می‌شد. دلایل اینکه توده‌های هوشمند سیاسی ممکن است دموکراسی‌ها را بیدار کند شامل افزایش سرعت تصمیم‌گیری‌های سیاسی است؛ دستکاری کردن اندیشه‌های مردم به‌واسطه انگیزه دادن و گمراه کردن، پتانسیل طغیان خشونت‌ها به‌صورت خود به خودی و پتانسیل برای انتشار سریع اطلاعات غلط و ضداطلاعات است.» (همان)

البته رینگولد در انتها بیان می‌کند که هیچ تضمینی برای صلح‌آمیز یا خشونت‌آمیز بودن استفاده از این تکنولوژی‌ها وجود ندارد. وی بیان می‌کند: «در شرایط فعلی هیچ‌گونه تضمینی وجود ندارد که در آینده توده‌های هوشمند صلح‌آمیز باشند یا اینکه دموکراتیزه کردن قدرت

برای سازمان‌دهی عمل جمعی به دموکراسی‌های پر قدرت تر بینجامد.»

منتظر قائم (۲۰۰۳) با اشاره به رشد و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی از اوایل قرن بیست و یکم می‌نویسد: «عرصه عمومی، شبکه‌های نهادی و ساختارهای مکانی مربوط به عرضه و تبادل اطلاعات و عقاید و نیز محتوای استدلالی کنش‌های ارتباطی شهروندان را شامل می‌شود. رسانه‌های جمعی به‌عنوان شکل غالب کنش‌های ارتباطی بین شهروندان، جایگاه بسیار مهمی در عرصه عمومی سیاسی دارد.»

اما این نگاه خوش‌بینانه با مرور زمان به سمت واقع‌گرایی میل کرد. فوکس (۲۰۲۳) در مقاله خود به بازاندیشی مفهوم «حوزه عمومی» در بستر دگرگونی‌های ناشی از سرمایه‌داری پلتفرمی می‌پردازد. او نیز با ارجاع به نظرات یورگن هابرماس در این خصوص، منطق سودمحور فضای دیجیتال را مانعی برای شکل‌گیری حوزه عمومی در دنیای جدید می‌داند. تمرکز وی بر بازسازی توجه و قطبی‌سازی سیاسی است که پلتفرم‌ها برای جذب مخاطب بیشتر پیش گرفته‌اند.

فوکس همچنین استدلال می‌کند که ساختار غیردموکراتیک، کنترل‌شده و تجاری پلتفرم‌های فضای دیجیتال، مسیری غیر از مسیر حوزه عمومی هابرماس را پیش می‌برد. وی این فضای سطحی و احساسی را، که در زیر منافع سودآوری پلتفرم‌ها شکل می‌گیرد، شبه حوزه عمومی می‌نامد که کارکردهای محدود و منحرف‌شده‌ای نسبت به اهداف حوزه عمومی دارد.

در این خصوص هوسزار و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که در ۶ مورد از ۷ کشور مورد بررسی، حزب‌های راست از تقویت بیشتری توسط الگوریتم توئیتر بهره‌مند شدند، همچنین رسانه‌های راست‌گرای آمریکایی نسبت به رسانه‌های چپ‌گرا بیشتر دیده می‌شوند که نشان دهنده جهت‌دار بودن الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی است.

۳-۲-۳. شهروندان خودانگیخته و خودمختار

گسترش اخبار سیاسی و دسترسی فراگیر به آن از طریق رسانه‌های همگانی نیز منبع مهمی است که «شهروندان خود بسیج‌شونده» بدون توجه به ایدئولوژی حزبی، از آن برای توسعه دانش سیاسی خود استفاده می‌کنند. بر اثر یک سیستم رسانه‌ای در حال توسعه مطبوعات، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اکنون تلفن همراه اطلاعات سیاسی بسیار گسترده‌ای در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند و این اصلی‌ترین عامل تحول رابطه شهروندان با احزاب و تغییر ماهیت کنش سیاسی آنهاست.

برقراری ارتباط از طریق اینترنت و فضای مجازی برای جنبش‌های جدید سیاسی و اجتماعی بسیار سهل و مناسب است. به دلیل اینکه این نوع ارتباط قابلیت کنترل کمتری دارد و همچنین امکان پنهان کردن هویت در آن وجود دارد. دسترسی به این شبکه‌ها نیز برای هر شهروندی در هر زمان و مکانی میسر است. امکان ایجاد محدودیت بر این شبکه‌ها به دلیل غیردولتی بودن آنها خصوصاً برای کشورهای غیرغربی بسیار سخت است. اینها همه امکاناتی است که شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها برای کاربران فراهم می‌کنند، ولی در این بین نقش رسانه‌های سنتی خصوصاً تلویزیون را نمی‌توان نادیده گرفت. (Doran, 2011: 42)

موسوی (۲۰۱۱: ۱۲۰) معتقد است پیام‌رسان‌های تلفن همراه در ارتباط با نقش‌های اجتماعی سه دستاورد عمده به همراه آورده است:

۱. غیرقابل پیش‌بینی شدن نقش‌ها در هر موقعیت

۲. هم‌زمانی ارتباطات چندسویه و هم‌زمانی اجرای نقش‌ها

۳. از بین رفتن مرزبندی و تفکیک میان نقش‌ها.

۳-۳-۳. رشد خود ارتباطی انبوه

فراگیر شدن نفوذ اینترنت، تلفن همراه، رسانه‌های دیجیتال و تنوعی از نرم‌افزارهای اجتماعی شبکه‌های افقی ارتباطات تعاملی را در زمان‌ها و مکان‌های مورد علاقه بسط داده‌اند. سیستم ارتباطی جوامع صنعتی براساس ارتباطات جمعی به صورت عمودی شکل گرفته است، ولی ارتباطات جامعه شبکه‌ای براساس شبکه‌های ارتباطات افقی شکل گرفته که شامل تبادل پیام‌های تعاملی از تعداد زیادی مردم به سوی تعداد زیادی مردم است.

با ظهور اشکال جدید ارتباطات، مردم می‌توانند سیستم‌های ارتباطی انبوه خود را از طریق پیامک، وبلاگ‌ها، ویکی‌ها و موارد مشابه بسازند. نکته مهمی که کاستلز (۲۰۰۷) به آن اشاره می‌کند این است که این نوع خود ارتباطی انبوه به «وهم‌گرایی الکترونیک» بیشتر نزدیک است تا به مفهوم ارتباطات واقعی.

ظهور خود ارتباطی انبوه، یک رسانه فوق‌العاده را برای جنبش‌های اجتماعی و افراد سرکش فراهم کرده که استقلال خود را در برابر موسسات اجتماع، با شرایط خود و در نزدیکی خود و

براساس اهداف خود بسازند. در پارادایم فرهنگی و تکنولوژیکی فعلی، جنبش‌های اجتماعی عصر ارتباطات و اشکال جدید بسیج سیاسی به‌طور گسترده از خود ارتباطی انبوه استفاده می‌کنند؛ اگرچه آنها از رسانه‌های جمعی نیز برای تأثیرگذاری در عقاید عمومی در سطح گسترده غافل نمی‌شوند. (Castells, 2007)

گسترش بسیج در لحظه سیاسی با استفاده از تلفن همراه مجهز به اینترنت، در حال دگرگون کردن چشم‌انداز سیاست است. در حال حاضر، به‌طور فزاینده‌ای دستکاری اطلاعات برای دولتمردان مشکل شده است. نقشه برنامه‌ریزی شده دستکاری کردن اطلاعات در مدت زمان کوتاهی به دست تعداد زیادی از افراد می‌رسد و در گروه‌های مختلف با هدف انتقاد از عملکرد دولتمردان در این خصوص به بحث گذاشته می‌شود!

۴. چهارچوب نظری تحقیق

با نظریه وابستگی اطلاعاتی و رسانه‌ای مخاطبان می‌توان رابطه بین تجمعات و اجتماعات با محتوای برنامه‌های رسانه‌ای را تحلیل کرد. (DeFleur & Dennis, 2002) این نظریه بیان می‌کند که کارکرد رسانه‌ها به میزانی برای جامعه ضروری و حیاتی است که مخاطبان برای انجام برخی از کارکردها به آن وابسته می‌شوند.

این نظریه از نظریه کارکردگرایی رسانه‌ها تأثیر گرفته که مطابق آن، مخاطبان برای سرگرمی و تفریح و همچنین تفسیر موضوعات اجتماعی به رسانه‌ها وابسته می‌شوند. البته افراد وابستگی‌های متفاوتی به رسانه‌ها دارند و براساس نیازهایشان این وابستگی در میان آنها متفاوت است. این نظریه بر رابطه متقابل رسانه‌ها، مخاطبان و جامعه تأکید می‌کند و معتقد است عوامل مختلفی در میزان افزایش یا کاهش این وابستگی موثر است. در ادامه در خصوص هر یک از این سه عامل بر اساس کتاب نظریه‌های ارتباطات مشهور آنها (Severin & Tankard, 2001) بحث مختصری می‌شود.

رسانه: به هر میزان که رسانه‌ها در یک جامعه کارکردهای اطلاعاتی بیشتری داشته باشند، وابستگی جامعه به آنها بیشتر می‌شود. همچنین هر قدر اهمیت یا نقش محوری این کارکردها نیز بیشتر باشد، وابستگی باز هم افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، مخاطب به رسانه‌ای که به سبب ارائه کارکردهای متنوع تعداد بیشتری از نیازهای اطلاعاتی او را پاسخ می‌گوید، وابسته می‌شود و شدت تأثیرگذاری رسانه به لحاظ شناختی، عاطفی و رفتاری افزایش می‌یابد.

جامعه: میزان بی‌نظمی، تضاد و تغییرات در هر جامعه عنصر مهمی در این چهارچوب نظری است. به هنگام بروز تحولات یا بحران‌های اجتماعی، رسوم و باورها و اعمال افراد به چالش کشیده می‌شود و افراد برای حل تعارضات پیش‌آمده ناچار از ارزیابی باور و رفتارهای خود هستند. در چنین شرایطی اعتماد افراد جامعه به رسانه برای کسب اطلاعات افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، هنگامی که تغییر زیادی در جامعه وجود داشته باشد، نبود اطمینان در همه افراد جامعه افزایش می‌یابد در نتیجه وابستگی به اطلاعات رسانه زیاد می‌شود.

مخاطب: مخاطب با توجه به شرایط اجتماعی نیازهای اطلاعاتی متفاوتی به رسانه دارد در نتیجه وابستگی متفاوتی به اطلاعات رسانه خواهد داشت.

با این توصیفات، شبکه‌های اجتماعی در زمان بروز تحولات اجتماعی و جنبش‌های نوین نقش بسزایی خواهند داشت. این شبکه‌ها امکان دستیابی به تازه‌ترین اخبار، گزارش‌ها، تصاویر و ویدئوها را از دورترین مناطق جهان و به صورت بی‌زمان و بی‌مکان برای مخاطب فراهم می‌کنند.

شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه، تسریع‌کننده اعتراضات جهان عرب

جامعه‌شناسانی که درباره تلفن همراه تحقیقاتی داشته‌اند عموماً بر این باورند که تلفن همراه تأثیر محرک‌های بیرونی را در اعمال و کنش‌های افراد افزایش داده و در مقابل، تأثیر سن، آداب و ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای درونی شده در فرد را در اعمال و رفتار کاهش می‌دهد. تلفن همراه با بمباران پیام‌های بی‌وقفه و غیرمنتظره خود تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای درونی شده را کم‌رنگ می‌کند. (Mousavi, 2011)

در عصر ارتباطات، روابط انسانی همانند گذشته یک موقعیت و جایگاه ثابت و مشخص ندارد، بلکه امروزه مجموعه‌ای از مکان‌ها و موقعیت‌ها می‌توانند با یک یا تعدادی هدف‌های متحرک ارتباط برقرار کنند. این رها شدن ارتباطات از قید مکان و زمان، که به واسطه تلفن همراه به وجود آمده است، بدون تردید بر کنش متقابل اجتماعی میان انسان‌ها تأثیر گذاشته و مرزبندی‌های موجود میان عرصه‌های عمومی و خصوصی را در زندگی اجتماعی کم‌رنگ می‌کند. به تبع نقش‌ها و رفتارهای متناسب و مرتبط با هر عرصه نیز تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

گروهی که دارای رفتار جمعی است، «جمع» نامیده می‌شود. جمع انواع فراوانی دارد که

مهم‌ترین آنها «انبوه خلق»، «همگان» و «توده» است. برای درک بهتر پدیده‌های جمعی باید یادآوری کرد که انسان دارای رفتار اجتماعی و جمعی است. رفتار انسان‌ها حتی در شرایط خصوصی زندگی، با رفتار فرضی آنها در حالت تنهایی متفاوت است. (همان)

بلومر در زمینه بعد فرهنگی وجوه افتراق رفتار گروه‌های کوچک و بزرگ می‌گوید: بیشتر فعالیت‌ها و ساختارهای گروه بزرگ در جوامع انسانی بازتابی از قواعد، تعاریف یا هنجارهای جافتاده و شکل‌گرفته است. درحالی‌که رفتار جمعی خارج از قلمرو تجویز فرهنگی قرار دارد. (Smelser, 1962)

با این توضیحات اسملسر (همان) درباره رفتار جمعی می‌گوید: رفتار جمعی، رفتاری است که اشکال جدیدی از تعامل را دامن می‌زند تا از این طریق موقعیت‌های تعریف‌نشده یا ساخت‌نیافته مورد توجه و جدیت قرار گیرند.

بلومر در رشته روانشناسی به دو کانون اصلی توجه کرده است: اول مطالعه اشکال ابتدایی رفتار جمعی، همچون انبوه از هم‌پاشیده و هیجان‌زده مردم یا اضطراب جنگ و دوم مطالعه شیوه‌هایی که از طریق آنها این اشکال ابتدایی تبدیل به رفتار تنظیم‌شده و سازمان‌یافته می‌شوند. (همان)

ویژگی برجسته رفتار جمعی ابتدایی بی‌قراری است که بر اثر فرایندی از واکنش رفت و برگشتی انتقال می‌یابد که به واسطه آن هر فرد هیجان تولیدشده توسط فرد دیگر را بازتولید می‌کند و وقتی بار دیگر این هیجان به خود وی باز می‌گردد، دچار هیجان مضاعف می‌شود. (همان)

برای تبیین رفتار جمعی بر بسیاری از مفروضات روان‌شناختی تکیه خواهد شد. برای مثال این فرض که فشار ساختاری درک‌شده در سطح اجتماعی موجب تحریک احساس نگرانی، خیال‌بافی و خصومت می‌شود، پذیرفته می‌شود. همچنین این فرض که مردم در انواع خاصی از موقعیت‌های اجتماعی بیشتر مستعد پذیرش برخی سخنان هستند، مورد قبول واقع می‌شود. (همان)

مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار جمعی به اعتقاد اسملسر عبارت‌اند از:

۱. شرایط نامساعد ساختاری: پاره‌ای از ویژگی‌های ساختاری جوامع شرایط را برای انواع خاصی از رفتار جمعی مساعد می‌کند. برای مثال در جامعه‌ای فرضی که ثروت و مالکیت در

اصل و نسب خانوادگی تعریف شده است و تنها خانواده‌های خاصی حق داشتن زمین یا خانه را داشته باشند، تحت فشار اقتصادی برخی واکنش‌ها مثلاً جنبشی برای تغییر در قوانین مالکیت ممکن است اتفاق بیفتد اما هراس ممکن نیست.

۲. فشار ساختاری: هراس‌های مالی زمانی به وجود می‌آیند که دارندگان سرمایه‌ها فکر کنند تهدید به ضرر مالی شده‌اند. در حقیقت محرومیت واقعی یا پیش‌بینی شده جایگاه مهمی را در شروع طغیان‌های خصومت‌آمیز، جنبش‌های اصلاحی، جنبش‌های انقلابی و نیز فرقه‌های جدید داراست. براساس آنچه ذکر شد به نظر می‌رسد شورش‌های نژادی در پی مهاجرت سریع و بروز انواع جدیدی از تماس‌های فرهنگی به وجود آید. ذکر این نکته ضروری است که در تبیین هر مورد رفتار جمعی بایستی فشار ساختاری را درون قلمرو ایجاد شده از سوی شرایط مساعد ساختاری در نظر گرفت.

۳. رشد و انتشار عقیده‌ای تعمیم‌یافته: پیش از آنکه کنش جمعی بتواند باعث بازسازی موقعیت به وجود آمده از سوی فشار ساختاری شود، این موقعیت باید برای کنشگران بالقوه معنادار شود. این معنا در قالب عقیده تعمیم‌یافته تأمین می‌شود. عقیده، که منبع فشار را معرفی می‌کند، ویژگی‌های معینی را به این منبع نسبت می‌دهد و عکس‌عملی را در قبال فشار ممکن معرفی می‌کند. با وجود این، بسیاری از عقاید تعمیم‌یافته پیش از آنکه به عوامل تعیین‌کننده یک رفتار جمعی تبدیل شوند مدت‌ها پیش حضور داشته‌اند. برای مثال بی‌اعتمادی به صداقت یک حاکم ممکن است از سال‌ها پیش در ذهن برخی از مردم وجود داشته باشد، اما فقط در مواقع به‌خصوصی است که این عقیده به عامل تعیین‌کننده‌ای برای یک اجتماع اعتراضی تبدیل شود.

۴. عوامل تسریع‌کننده: شرایط مساعد ساختاری فشار و عقیده تعمیم‌یافته حتی در صورت ترکیب، به خودی خود باعث نمی‌شود که در زمان و مکانی معین رفتار جمعی خاصی رخ دهد. برای مثال در خصوص طغیان خصومت‌آمیز، تعیین‌کننده‌های کلی گرایش به طغیان خصومت‌آمیز را باعث می‌شوند، اما معمولاً واقعه‌ای خاص برای عملی کردن آن وجود دارد. این واقعه می‌تواند موجب تأیید یا توجیه اعتقادات گذشته شود، ممکن است در شرط فشار مبالغه ایجاد کند یا اینکه شرایط فشار را به‌صورت افراطی‌تر از گذشته بازتعریف کند. در هر حال، این عوامل تسریع‌کننده، محتوای ضمنی و فوری‌ای را در اختیار عقاید تعمیم‌یافته قرار می‌دهد. باز تأکید می‌شود عوامل

تسریع‌کننده به خودی خود هیچ چیز خاصی نیستند و باید در زمینه‌ای از سایر تعیین‌کننده‌ها ظاهر شوند. مثلاً یک دعوای دو نفره نمی‌تواند به خودی خود شورش نژادی ایجاد کند مگر اینکه در میانه موقعیتی کلی که از سوی شرایط دیگر شکل گرفته است اتفاق بیفتد.

۵. بسیج مشارکت‌کنندگان برای کنش: پس از اینکه عوامل تعیین‌کننده پیش‌گفته مستقر شدند، تنها شرط ضروری که باقی می‌ماند آن است که گروه متأثر را به کنش واداریم. این نقطه آغاز هراس، نقطه شروع خصومت یا نقطه آغاز تحریک برای اصلاح یا انقلاب است. در این فرایند بسیج‌سازی و رفتار رهبران بی‌اندازه حائز اهمیت است.

۶. عملکرد کنترل اجتماعی: از پاره‌ای جهات، این عامل بر سایر تعیین‌کننده‌ها سایه می‌افکند. به زبان ساده، مطالعه کنترل اجتماعی مطالعه ضد تعیین‌کننده‌هایی است که در انباشت عوامل تعیین‌کننده ذکر شده وقفه ایجاد می‌کند یا باعث تغییر مسیر آن می‌شود یا بر سر راه آن مانع‌تراشی می‌کند. به‌طور کلی، این کنترل‌های اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) کنترل‌های اجتماعی‌ای که شرایط مساعد ساختاری و فشار را به حداقل می‌رسانند و از بروز رفتار جمعی جلوگیری می‌کنند. ب) کنترل‌های اجتماعی‌ای که فقط پس از آغاز یک رفتار جمعی فعال می‌شوند. این دسته دوم تعیین می‌کنند که یک رفتار جمعی با چه سرعتی، تا چه اندازه و در چه جهاتی گسترش یابند. سازمان‌های مرتبط به این کنترل عبارت‌اند از پلیس، دادگاه‌ها، مطبوعات، مقامات مذهبی، رهبران اجتماع و ...

پارسونز بین تغییر تعادل و تغییر ساخت تفکیک قائل می‌شود. به این صورت که اگر تغییر تعادل بدون اینکه در سیستم اجتماعی دگرگونی حاصل کند و تعادل موجود جای خود را به تعادل جدید دهد، این تعادل جدید به دنبال تغییراتی در بعضی از قسمت‌های سیستم یا خرده‌سیستم‌ها رخ می‌دهد. همچنین اگر نیروهای موثر در دگرگونی بسیار قوی باشند و چنانچه فشاری که از خارج بر سیستم اثر بگذارد، نیرومند باشد، تغییر منجر به دگرگونی در کل سیستم خواهد شد. (همان)

برای بررسی نقش تلفن همراه در عمل جمعی می‌توانیم حضور آن را در سه عامل پیدایش عمل جمعی که اسملسر ذکر کرده به‌وضوح مشاهده کرد. تلفن همراه در رشد و انتشار عقاید تعمیم‌یافته، بسیج برای کنش و دور زدن کنترل‌های اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند و این به معنای مساعد شدن شرایط برای عمل جمعی است. ناگفته نماند که وجود شرایط نامساعد ساختاری و فشار ساختاری همچنان به‌عنوان شرط لازم عمل جمعی پابرجاست و به روابط و

رخدادهای بیرونی جامعه مرتبط است، اما تلفن همراه می‌تواند نقش تسهیل‌کنندگی در سه عامل پیش‌گفته داشته باشد.

با بررسی نظریات مختلف درخصوص تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی از یک رویکرد ترکیبی برای تبیین هیجان اجتماعی سازمان‌دهی شده از طریق تلفن همراه استفاده می‌کنیم. در این رویکرد دو مفهوم انبوه خلق لوبون و توده هوشمند رینگولد را به کار می‌گیریم.

لوبون چهار ویژگی برای انبوه خلق خود، که در یک محیط فیزیکی محدود به وجود می‌آیند، در نظر گرفت: ۱. تحرک پذیری ۲. تلقین پذیری ۳. مبالغه و یکجانبگی در احساسات ۴. سازش ناپذیری و برتری جویی

این ویژگی‌ها به واسطه تسری احساسات و هیجانات در میان افرادی که در زمان خاص به واسطه یک رویداد در یک مکان خاص جمع شده بودند به وجود می‌آید و تشدید می‌شد.

با مسلح شدن تک‌تک افراد به تلفن همراه به اعتقاد رینگولد (۲۰۰۲) قابلیت ارتباط و محاسبه از طریق این تکنولوژی قابلیت همکاری مردم را تقویت می‌کند و امکان ایجاد توده ناگهانی را با وجود فواصل فیزیکی در زمان و مکان معین ایجاد می‌کند.

اگرچه به مفهوم انبوه خلق لوبون به دلیل محدودیتی که وی برای حضور در مکان مشخص برای آن قائل بود اشکالاتی وارد است؛ با شروع کنش، توصیف دقیقی از ویژگی‌های گروه عمل‌کننده ارائه کرده است.

حال اگر بخواهیم مفهوم توده هوشمند را به مفهوم انبوه خلق متصل کنیم باید قابلیت‌هایی را که به واسطه تلفن همراه برای تک‌تک افراد فراهم می‌شود، مرور کرد، ما در اینجا پنج اثری را که حضور تلفن همراه می‌تواند بر شکل‌گیری انبوه خلق داشته باشد، برشمرده‌ایم.

همان‌گونه که ذکر شد تلفن همراه می‌تواند خودانگیختگی و خودمختاری افراد را بالا ببرد؛ یعنی از این پس تسری احساسات و عواطف علاوه‌بر اینکه از افراد نزدیک در یک جمع صورت می‌گیرد از تلفن همراه نیز انجام می‌شود و این مورد هم می‌تواند موجب تشدید احساسات شود و هم ممکن است آن را تعدیل کند و فرد با تعداد بیشتری از افراد در لحظه در ارتباط خواهد بود که ممکن است از لحاظ فیزیکی در یک محل نباشند.

مسئله دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد محصور بودن فرد حاضر در تجمع به افرادی است که احتمالاً هویت آنها برای وی نامعلوم است که لو بون در توصیف انبوه خلق به آن اشاره کرده است، اما با حضور تلفن همراه فرد با کسانی مرتبط می‌شود که نامشان در لیست شماره تلفن‌های شخصی وی بوده‌اند که این امر می‌تواند موجب نقش آفرینی پیش‌دواری‌ها شود.

نکته بعدی قابلیت برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های در لحظه است. همان‌گونه که ذکر شد استفاده از تکنیک‌های هوشمند در لحظه برای تأثیرگذاری بیشتر استفاده می‌شود و تنها ویژگی‌های ارگانیک جمعی در توده مشاهده نمی‌شود.

از بین رفتن کنترل‌های اجتماعی و ایجاد هویت جمعی موبایلی از عواملی است که می‌تواند رشد افکار غیررسمی را به‌خصوص در کشورهای که رسانه‌ها با محدودیت‌های بیشتری مواجه هستند تسهیل کند که در مواقع عمل در کنش، کنشگران را بهتر یاری کند. به‌علاوه اینکه هویت جمعی شکل گرفته به‌واسطه تلفن همراه همبستگی میان‌فردی بیشتری پیدا کرده‌اند.

غیرقابل پیش‌بینی شدن واکنش‌ها و سازمان‌دهی شدن تجمعات در خصوص وقایع، یکی دیگر از مواردی است که حضور تلفن همراه موجب آن می‌شود. همان‌گونه که در مثال‌های گذشته از توده هوشمند و توده ناگهانی ذکر شد شکل‌گیری توده‌هایی بعد از وقایع محرک احساسات یا تجمع‌هایی با اهداف خاص سیاسی و اجتماعی با توجه به پس‌زمینه‌های سیاسی و اجتماعی جوامع محتمل شده است. علاوه بر این آنچه کاستلز از آن با وهم‌گرایی الکترونیک یاد کرده است این وضعیت را تشدید می‌کند.

۴-۱. تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی در جهان عرب

قدرت تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی در سازمان‌دهی اعتراضات بسیار زیاد است و قدرت سازمان‌دهی آن با هر نوع ابزاری که در گذشته استفاده می‌شد قابل مقایسه نیست، زیرا قابلیت برنامه‌ریزی، تغییر سریع برنامه، دسترسی به گروه عظیمی از مخاطبان و دور از کنترل بودن دولت‌ها را دارد به همین جهت رینگولد (۲۰۰۲) پژوهشگر آثار سیاسی تکنولوژی موبایل، در توصیف این تجمعات اعتراضی جدید از کلیدواژه «توده هوشمند» استفاده می‌کند.

تلفن همراه به‌عنوان یک وسیله برای هماهنگی فعالان معترض در نظر گرفته می‌شود. زمانی که تصور توده هوشمند در دسته‌بندی گروه‌ها درک شد، ویژگی هماهنگ‌کننده قدرت

ارتباطات چهره به چهره را در یک شبکه سازمان‌دهی شده بالا می‌برد و این یک نکته بسیار مهم در نقش‌آفرینی تلفن همراه در سازمان‌دهی ارتباطات است.

این ابزارهای نوین به طور مشخصی در جهان عرب اثرگذار بودند و یکی از عوامل و تسریع‌کننده‌های کنش‌های انقلابی و تجمعات اعتراضی در دهه اخیر بوده است. یک نمونه روشن و شاید اولین مورد آن در جهان عرب، نقش ارتباطات در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس مصر در سال ۲۰۰۵ بود. در این دوره گروه‌های حاشیه‌ای را قدرتمند کرد و به آنها توان بسیج نیروهایشان در لحظه حساس سیاسی را داد.

هویدی (۲۰۰۶) براساس مطالعه میدانی توصیفی خود درخصوص نقش تلفن همراه در مصر می‌نویسد: در مصر ارسال پیامک تبریک در روز عید بسیار رایج است. در سال ۲۰۰۲، بسیاری از این پیام‌های تبریک، شامل محتوای سیاسی بودند. ابتدای پیامک‌ها حاوی انتقادات کلی در مورد خانواده مبارک بود. با گذشت زمان اگرچه به‌طور فزاینده‌حسنی مبارک را مسخره می‌کردند که پسر او موجب پیروزی‌اش در انتخابات شده است؛ ارزیابی اینکه این پیام‌ها سوپاپ اطمینان بوده‌اند یا تلاش برای گسترش اعتراض سیاسی و بیان جدی‌تر مخالفت سیاسی، قضاوت دشواری است.

وی از یک جنبش اعتراضی در مصر به نام جنبش "کیفیا" نام می‌برد و به نقش تلفن همراه در این جنبش را تحلیل می‌کند. وی می‌نویسد: این جنبش به دلایل مختلفی به سمت استفاده از تلفن همراه به‌عنوان یک وسیله برای ارتباطات سیاسی رفت. جنبش از پیامک برای ساختن عبارات مورد نظر خود و رساندن آن به مخاطب هدف به‌خصوص حامیان جوانش استفاده می‌کرد. این جنبش همچنین برای بسیج، ترتیب دادن تظاهرات، پخش پیام درخصوص فعالان زندانی، توزیع پیام‌های دیجیتال بی‌نام و چرخاندن لیست نامزدهای انتخاباتی بین طرفداران خود استفاده می‌کرد. نامزد انتخاباتی این جنبش در سال ۲۰۰۵ از پیامک برای ترغیب رأی‌دهندگان به رأی دادن به وی استفاده کرد. (Howeidy, 2006)

وی ادامه می‌دهد: در روز انتخابات نیز فعالان جنبش و ناظران مستقل انتخابات از هرگونه مزاحمت در مکان‌های رأی‌گیری عکس‌برداری و آنها را در وبلاگ‌های خود منتشر می‌کردند و معترضان هر کدام نقش‌گوینده اخبار را بازی و هم شایعات و هم اخبار را دریافت و منتشر می‌کردند. (همان)

اما باید توجه داشت ابزارهای مختلف، کارکردهای متفاوتی را در این زمینه دارند. در حالت کلی، به نظر می‌رسد در جوامع عربی شبکه‌های اجتماعی در فرآیند آگاهی سیاسی، شکل‌دهی اعتراضات موثر بودند. (Glasser, ۲۰۰۵) اما در موارد ذکر شده پیشین که از پیامک به عنوان شکل قدیمی‌تر ابزارهای ارتباطی استفاده می‌شد با کارکرد بیدار کردن افرادی که قبلاً به یک شبکه تعلق داشته‌اند یا برای تحریک هیجان و ایجاد نارضایتی موثر مورد استفاده قرار می‌گرفت. لذا استفاده از شبکه‌های اجتماعی با بسیج سیاسی با مقیاس بالا که در کشورهای دیگر مانند فیلیپین و اسپانیا انجام شد، حتماً متفاوت است.

۴-۲. نقش رسانه‌های اجتماعی در بهار عربی

بعد از بوعزیزی، جوان ۲۶ ساله تونسی در سال ۲۰۱۱ بعد از توقیف بساط دستفروشی‌اش خودسوزی کرد، پیام‌ها و تصاویر زیادی از وی در فیس‌بوک منتشر شد. این پیام‌ها با وجود مشکلات ساختاری کشورهای عربی زمینه را برای شکل‌گیری یک جنبش عظیم اجتماعی فراهم کرد. با انتشار این تصاویر و شروع اعتراضات در یک بازه زمانی کوتاه، ۱۳ مورد خودسوزی مشابه در تونس و سایر کشورهای عربی اتفاق افتاد.

انتشار تصاویر خودسوزی و اعتراضات خیابانی، همانند بنزینی روی آتش نهفته مسائل ساختاری این جوامع بود تا در نهایت به سقوط چندین دولت عربی منجر شد.

محمدرضا رفیعی دولت‌آبادی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی نشان دادند که «مهم‌ترین عوامل بیداری اسلامی فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد، تبعیض، بی‌عدالتی و استبداد بوده و بیداری از خلال فرایندهای بسیج خودجوشی بودند که از فراخوان‌های اینترنتی و شبکه‌های ارتباطی به وجود آمدند و در ابتدا بدون رهبر بودند، اما آهسته آهسته رهبری یافتند. کشورهایی که دارای رهبری کارآمد و ایدئولوژی واحد بودند، زودتر به نتیجه رسیدند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که نخست، اگرچه شبکه‌های اجتماعی مجازی عامل اصلی وقوع انقلاب نیستند؛ با این وصف می‌توانند بسیج عمومی را تقویت و به رهبری و موفقیت جنبش‌های کمک کنند. دوم، جنبش‌ها و انقلاب‌ها در جوامع با الگوگیری از یکدیگر در جستجوی هویت از دست‌رفته‌اند.»

غفاری، محمدآبادی و نجارزاده (۲۰۱۴) در پژوهشی در خصوص نقش شبکه‌های اجتماعی در بهار عربی، شش ویژگی را سبب کاربرد وسیع این شبکه‌ها در انقلاب‌ها و جنبش‌های نوین دانستند:

۱. بدون مرز بودن فضای اینترنت: ماهیت فرامرزی فضای اینترنت به گونه‌ای که هیچ‌یک از مرزها و موانع موجود فیزیکی نمی‌تواند برای آن محدودیت ایجاد کند.
 ۲. کاهش هزینه فعالیت‌های اجتماعی: به دلیل ماهیت فرامرزی فضای اینترنت و امکان پنهان کردن هویت کاربران، فضای مناسبی برای فعالیت و نقش‌آفرینی در جنبش‌های جدید پدید آمده و دولت‌ها و حکومت‌ها شرایط سخت‌تری برای ایجاد محدودیت و کنترل افراد در این فضا دارند.
 ۳. بی‌زمان و بی‌مکان بودن دسترسی به اطلاعات: با فراگیر شدن اینترنت و دسترسی گسترده افراد به شبکه‌های اجتماعی، امکان ارسال و دریافت اطلاعات در هر زمان و مکانی به‌آسانی فراهم شده است و این نیروی عظیمی برای حرکت یک جنبش اجتماعی محسوب می‌شود.
 ۴. انعکاس جهانی: این ابزارها به دلیل ماهیت جهانی بودن، امکان رساندن صدای شهروندان را به اقصی نقاط جهان فراهم کرده‌اند. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که افراد می‌توانند انعکاس اقداماتشان را در سطح افکار عمومی جهان و دولت‌های مختلف برسانند و از آنها برای فعالیت‌هایشان طلب یاری کنند.
 ۵. افزایش انعطاف فعالیت‌های جنبش: درحالی‌که یکی از ابزارهای حکومت‌ها و دولت‌ها برای جلوگیری از تداوم جنبش‌ها، اختلال در دسترسی افراد به فراخوان‌های جنبش بود، امروزه هر فردی در خانه خود می‌تواند یک جنبش را رهبری کند یا افزایش انعکاس یک جنبش نقش‌آفرین باشد. اینها همه به یک جنبش قابلیت انعطاف قابل ملاحظه‌ای می‌دهد که کنترل کردن آن را به مراتب سخت‌تر از قبل می‌کند.
 ۶. امکان جذب حامیان از سراسر جهان: جلب حمایت جامعه مخاطب مورد نظر و عضوگیری از آن از مسائل لازم و ضروری در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی است. حال با توجه به اینکه فضای مجازی امکانات رسانه‌ای بسیار گسترده‌تری با هزینه ناچیز برای فعالیت‌های یک جنبش فراهم کرده است، جنبش‌ها با بهره‌گیری از آن می‌توانند حامیان و فعالان بیشتری را به خود جذب کنند.
- باتوجه به ویژگی‌های پیش‌گفته و مطابق نظریه وابستگی رسانه‌ای و اطلاعاتی کاربران در شرایطی که رسانه‌های رسمی نمی‌توانند کارکردهای اطلاع‌رسانی خود را به درستی ایفا کنند، نقش‌آفرینی رسانه‌های اجتماعی دوچندان و اهمیت آن بیش از پیش می‌شود.

در پژوهش سعد (۲۰۱۲) نشان داده شد که سه متغیر سن، جنسیت و تحصیلات در استفاده از تلفن همراه تأثیر مستقیم دارد و استفاده از تلفن همراه نیز تحریک‌پذیری برای حضور در تجمعات اعتراضی را افزایش می‌دهد.

شکل ۱ عوامل موثر بر سازمان‌دهی‌پذیری برای تجمعات اعتراضی

تاریخ	کشور	نوع اعتراض	پیامد
۱۸ دسامبر ۲۰۱۰	تونس	خودسوزی محمد بوعزیزی و آغاز اعتراض‌های خیابانی	فرار بن علی، سرنگونی حکومت و برگزاری انتخابات سراسری
۲۸ دسامبر ۲۰۱۰	الجزائر	تظاهرات خیابانی	پایان قانون وضعیت اضطراری از سوی رئیس جمهور
۱۳ ژانویه ۲۰۱۱	لیبی	اعتراض به فساد و وضعیت مسکن	شرق لیبی به دست مخالفان افتاد که نبردی شش ماهه تا سرنگونی قذافی را به دنبال داشت
۷ ژانویه ۲۰۱۱	اردن	تظاهرات خیابانی	تغییرهایی در هیئت دولت اردن
۱۷ ژانویه ۲۰۱۱	عمان	تظاهرات خیابانی	افزایش حقوق و دستمزدها و اصلاحات سیاسی توسط سلطان قابوس
۱۴ ژانویه ۲۰۱۱	یمن	تظاهرات خیابانی و اختلاف در داخل حکومت ضد رئیس جمهور، علی عبدالله صالح	پس از اعتراض‌های خونین مردمی در یمن، علی عبدالله صالح با کناره‌گیری از قدرت موافقت کرد و دولت وحدت ملی در این کشور برای دوره انتقالی شکل
۲۱ ژانویه ۲۰۱۱	عربستان	تظاهرات خیابانی و خودسوزی و کشتار معترضان	پس از اعتراض‌ها در ناحیه شیعه‌نشین قطیف محدودیت‌های گسترده امنیتی و اجتماعی در سراسر کشور به دنبال داشت
۲۵ ژانویه ۲۰۱۱	مصر	اعتراض‌ها و قیام ملی	سقوط حکومت حسنی مبارک و پیروزی انقلاب مصر، برگزاری انتخابات مجلس انتخاب محمد مرسی، نامزد اخوان المسلمین و سپس انتخاب سیسی
۳۰ ژانویه ۲۰۱۱	مراکش	خودسوزی و تظاهرات خیابانی	انجام اصلاحات سیاسی توسط رژیم پادشاهی مراکش و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات مجلس
۱۴ فوریه ۲۰۱۱	بحرین	تظاهرات خیابانی سراسری	مقابله خشونت‌آمیز با تظاهر کنندگان و تداوم اعتراض‌های مردمی

۵. نتیجه گیری

انقلاب‌های عربی منطقه در دهه گذشته به واسطه جمعیت جوان، رشد استفاده از اینترنت و تلفن همراه، در کنار فشار ساختاری حکومت‌های خودکامه به وقوع پیوست. ساختارهای معیوب رسانه‌ای در این کشورها، که عمدتاً در کنترل حاکمیت قرار داشت، موجب کاهش اعتبار رسانه‌های رسمی و روی آوردن مردم به رسانه‌های اجتماعی شد. گسترش این روند نقش سنتی احزاب، نهادهای مدنی و میانجی‌ها را کاهش داد و با تحریک احساسات تعداد قابل توجهی از کشورهای خاورمیانه را درگیر انقلاب‌هایی کرد که چهره این منطقه جغرافیایی را تا چندین سال دگرگون کند.

نحوه بروز این اعتراضات که با نقش موثر تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی شکل گرفته بود، شیوه متفاوتی از تجمعات اعتراضی گذشته بود و رسانه‌ای شدن سیاست و اعتراضات به گسترش سریع و خشن شدن آن منجر شد.

رشد استفاده از تلفن همراه و رسانه‌های اجتماعی در سال‌های منتهی به بهار عربی، نقش پراهمیتی در به نتیجه رسیدن اعتراضات و سرنگونی حکومت‌ها و همچنین ایجاد همدلی در سایر کشورهای عربی منطقه داشت.

تجربه نکردن حکومت‌های خودکامه و نظام موروثی حکمرانی آنها، یکی از علل ناتوانی در کنترل و پاسخ‌دهی مناسب به این نوع جدید از اعتراضات بود که منجر به سرنگونی حکومت یا کشتار وسیع مردم معترض شد.

مقایسه نظرات پژوهشگران در ۲۰ سال اخیر در خصوص نقش تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی نشان‌دهنده این است که از خوش‌بینی زیاد در اوایل سال‌های اول قرن بیست و یکم به سمت واقع‌گرایی در سال‌های اخیر تبدیل شده است. نظرات پژوهشگران اخیر نشان‌دهنده نوعی واقع‌بینی و شناخت اثرات دوقطبی‌سازی در جهت حمایت از نظرات افراطی در شبکه‌های اجتماعی است.

اثرات اخبار جعلی در رسانه‌های اجتماعی جزء عواملی است که در ابتدا چندان جدی و موثر گرفته نمی‌شد، ولی به مرور به یکی از عوامل آسیب‌های مهم این فضای رسانه‌ای جدید تبدیل شده است.

در کنار همه این عوامل سن، جنسیت و تحصیلات نقش مهمی در سازمان‌دهی پذیری اعتراضات داشته و گرایش سیاسی و احساس محرومیت نیز جزء عوامل موثر در این مسئله بوده است.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Ameli, S. R. (2010). Ubiquitous communication technology. *Ketab-e Mah-e Kolyat*, 59–54, (153) 13. [in Persian]
- Boughelaf, J. (2011). Mobile phones, social media and the Arab Spring. *Academia.edu*.
- Castells, M. (2007). Communication, power and counter-power in the network society. *International Journal of Communication*, 266–238, (1) 1.
- Castells, M. (2023). The network society revisited. *American Behavioral Scientist*, 135–115, (1) 67. <https://doi.org/00027642221092803/10.1177>
- DeFleur, M. L., & Dennis, E. E. (2002). *Understanding mass communication: A liberal arts perspective* (8th ed.). Houghton Mifflin.
- Dolatabadi, M. R., & Abdolrahmani, R. (2021). A meta-analysis of articles related to the role of virtual social networks in the occurrence of the Islamic Awakening. *Scientific Quarterly of Islamic Awakening Studies*, 166–145, (2) 11. [in Persian]
- Ghaffari, J., Deghani Mohammadabadi, M. S., & Najjarzadeh, M. R. (2013). The role of virtual media and social networks in the Islamic Awakening: A case study of the Tunisian revolution. *Biannual Journal of Islamic Awakening Studies*, 110–87, (2) 3. [in Persian]
- Howard, P. N., Duffy, A., Freelon, D., Hussain, M., Mari, W., & Maziad, M. (2011). *New study quantifies use of social media in Arab Spring*. University of Washington.
- Howeidy, A. (2006). E-mail interview. *Al-Ahram Weekly*.
- Huszár, F., Irantzen, S., O'Brien, C., Belli, L., Ashliger, A., & Hart, M. (2021). Algorithmic amplification of politics on Twitter. <https://arxiv.org/abs/2110.11010>
- Ibahrine, M. (2008). Mobile communication and sociopolitical change in the Arab world. In J. Katz (Ed.), *Handbook of mobile communication studies* (pp. 524–511). MIT Press.

- Jungherr, A., Rivero, G., & Gayo-Avello, D. (2020). *Retooling politics: How digital media are shaping collective action*. Cambridge University Press.
- Karasapan, O. (2013). *Social networks and cell phones in the aftermath of the Arab revolutions*. World Bank Blogs.
- Mantezar Qaem, M. (2002). *Digital democracy and e-government: Politics and government in the age of information and communication technologies (ICTs)*. *Social Sciences Letter*, (187-163 ,(19. [in Persian]
- Mousavi, K. (2010). *The social power of mobile*. Behine Faragir Publishing Company. [in Persian]
- Owen, D. (2018). *New media and political campaigns*. In K. Kenski & K. H. Jamieson (Eds.), *The Oxford handbook of political communication*. Oxford University Press. <http://www.oxfordhandbooks.com>
- Rheingold, H. (2002). *Smart mobs: The next social revolution*. Basic Books.
- Saad, A. (2012). *Investigating the role of media in organizing social excitement: A case study of mobile phones* [Master's thesis, Allameh Tabataba'i University]. [in Persian]
- Schäfer, M. S. (2015). *Digital public sphere*. In *Proceedings of the 7th International Conference on Social Media and Society* (pp. 10-1). ACM.
- Seo, H., & Thorson, K. (2019). *Collective action in digital age: A multilevel approach*. *International Journal of Communication*, 145-123 ,13.
- Severin, W. J., & Tankard, J. W. (2001). *Communication theories: Origins, methods, and uses in the mass media* (5th ed.). Longman.
- Smelser, N. J. (1962). *Theory of collective behavior*. Free Press.